

روایت های يك مادر كتاب باز بخش برشته داستان آدم ها



سمیه سادات
حسینی

نویسنده

هر سه کتاب را مثل گنج تازه از زیر خاک درآمده، با احتیاط از پشت کتاب های دیگر توی کتابخانه برداشتم و بردم پیش دخترک. گفتم: «دنبال کتاب خوب بودی، اینم هست.» گذاشتم روی میز و از اتاق رفتم بیرون. کمی که گذشت، دخترک آمد سر و قتم: «شروع کردم کتابا رو.» پرسیدم: «خب؟ چطور؟» گفت: «مامان مطمئن این کتابا خوبن؟» گفتم: «معلومه! مجموعه سه جلدی از یکی از بهترین کتاب های کلاسیک برای نوجوانانه. تا کجا خوندی؟ خوشت نیومد؟» گفتم: «کلاسیک یعنی چی؟» گفتم: «یعنی کتاب هایی که جزو آثار همیشگی و موندگار هستن. یعنی خوندنشون همیشه جذابیت داره. قدیمی نمی شن.» گفتم: «آها! مشکل منم همینه. نگاه کن این کتاب جلدش قدیمیه. سال چاپش ۱۳۵۳ بوده. داستانشم قدیمیه.»

گفتم: «خوب منم نگفتم کتابش جدید. گفتم کلاسیکه. یعنی ممکنه تازه نوشته و چاپ نشده باشه، اما اینقدر جالب و خوب نوشته شده که همیشه برای خوندن خوبه. حالا مشکلش چیه؟» کتاب ها را گذاشت روی میز: «خب آخه چه فایده داره داستان قدیمی بخونم؟ زمانی که این داستان توش اتفاق افتاده، گذشته. آدمای اون داستان همه مردن. اصلا حال و هوای دنیا عوض شده. دیگه به چه درد من می خوره که بدونم آدمای قدیمی توی دنیای قدیمی چه جوری زندگی می کردن و چه اتفاقاتی براشون می افتاده؟» برگشته بودیم سر موضوعی قدیمی. نه دخترک نه پسرک، تاریخ دوست نداشتند و حرفشان هم این بود که گذشته، گذشته! و آنقدر روزگار و آدم ها و شرایط زندگی عوض شده که دانستن آن که در گذشته چه پیش آمده، به نظرشان بی معنا می نمود. از جهاتی حرفشان را می فهمیدم. این حرف را هم اولین بار پسرک بر زبان آورد، وقتی داشتم از ریشه دعاوهای قوم یهود و داستان سرزمین فلسطین برایشان می گفتم. دعاوهای کشدار تاریخی که آدم های ذی نفع شان مدت ها پیش مرده بودند، اما باز ماندگان یهود هنوز به بهانه آن ریشه ها، خون می ریختند

یا اساطیر الاولین خود را دستاویز کرده بودند برای زیاده خواهی های جدید. حوصله شان سر رفته بود و نمی توانستند بفهمند، چرا آدم ها این طور بار گذشته را به دوش می کشند. پسرک هم شروع کرده بود کلی مثال از ادیان و فرهنگ ها و کشورهای دیگری آورده بود که به نظرش هنوز گرفتار دعاو هایی بودند که فقط دلیل تاریخی داشت و نه علتی تازه و محکم. اما این وسط مرز باریکی هم بود از فایده تاریخ خوانی که هنوز نتوانسته بودم تفهیم شان کنم. گفتم: «راست می گی. دنیا و شرایط زندگی آدم ها خیلی عوض شده. اما خود آدم ها از بعضی جهات خیلی عوض نشدن. هنوز بیشتر از همون چیزهایی عصبانی می شن که آدم های قدیم عصبانی می شدن. از همون چیزهایی بیشتر خوشحال یا ناراحت می شن که آدم های قدیمی می شدن. از همه مهم تر از همون چیزهایی کول می خورن و غفلت می کنن که آدم های قدیمی براشون اتفاق می افتاد.» اخمی یک طرفه روی یکی از ابروهایش افتاده بود و مشخص بود که موافق نیست. گفتم: «خیلی خوب. اصلا قدیم و جدید رو ولش کن. داستان کلاسیک، یعنی داستانی که همیشه جذابه. تو

الان می تونی این تعریف و امتحان کنی. این داستان برای من خیلی جذابه. هنوزم دوست دارم بارها بخونمش. تو هم برو بخون. ببین واقعا برات جذابه یا نه.» صدایی شبیه پوزخند از زیر زبانش خارج کرد. گفتم: «مامان! آخه سلیقه تو خوب نیست که! تو از تاریخ ام خوشت میاد!» طوری که انگار گفته باشد تو از غذای سوخته هم خوشت می آید! وخب بی راه هم نبود! همیشه برشته ترین بخش غذاها را که به نظر بقیه خانواده «سوخته» بود، من با علاقه می خوردم. حالا هم من به برشته ترین بخش داستان آدم ها از اول تا الان که به نظر بقیه «تاریخ» بود، علاقه ای داشتم که خیلی ها نداشتند. مطمئن نبودم که حق با من باشد. شاید هم حق با آنها بود، اما از يك چیز مطمئن بودم. نوشته های ناخوشایند و ملال آور و کهنه ای مانند تاریخ را فقط قالب جذابی مثل يك داستان می تواند طوری به خورد مخاطب بدهد که هم از فایده آن بهره مند شود، هم طعم ناگرفته اش، ذائقه اش را نیاز زارد. چیزی شبیه کاری که خورشت قورمه سبزی با ته دیگ سوخته می کند!

ویلا لاکجری

تریبلکس بنا ۳۰۰ متر، فاصله تا مرکز شهر آمل ۶ کیلومتر منطقه جنگلی، نمای داخلی و بیرونی منحصر به فرد، پایان کار، سند مالکیت آقای عمرانی ۹۱۱۱۲۷۱۹۱۲

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۹۵ شماره موتور 124k0799522 شماره شاسی NAAM01CE0GK402610 شماره پلاک ایران ۴۸-۱۶۳-۴۶ متعلق به علی ابراهیمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی، مدل ۱۳۸۹، به رنگ نقره ای متالیک، شماره انتظامی ایران ۶۷-۵۲۳-۶۸، شماره موتور 3802220 و شماره شاسی S1412289679827 به نام سید امیر مسعود حسینی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو تویوتا-پرادو جی ایکس مدل ۲۰۰۸ به رنگ سفید- متالیک به شماره انتظامی ایران ۶۷-۵۸۷-۷۹، شماره موتور 2TR0567127 و شماره شاسی JTEBL29J385101437 به نام جلال بهرامی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی می شود فاکتور شماره 98000030 مربوط به اتاق کامل پژو ۴۰۵ با شماره شاسی AK997769 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. هرگونه مسئولیت در خصوص مفقودی فاکتور برعهده مالک خودرو آقای محمد فتاح فرزند عبدالعلی به شماره ملی ۶۲۲۸۳۲۷۸۶۲ متولد تاریخ ۱۳۳۱/۰۸/۰۱ نمی باشد.

برگ سبز خودرو پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۹ به رنگ نقره ای-متالیک به شماره انتظامی ایران ۵۳-۸۸۱-۴۲ شماره موتور 3310583 شماره شاسی S1412288413906 به نام مجتبی رجبی دلیگانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند مالکیت خودرو رنو لوگان L90، مدل ۹۲، رنگ مشکی، به شماره انتظامی ۷۶۲ ن ۸۸-ایران ۷۷، شماره موتور W135969 و شماره شاسی NAPLSRALDC1194783 به نام محمد زین العابدین شیرازی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، برگ سبز، کلیه مدارک و اسناد قبلی انتقالی خودرو کامیون باری فلزی مدل پنژ تیپ ال پی ۳۶/۶۰۸ مدل ۱۳۶۳ به رنگ سبز معمولی به شماره انتظامی ۴۳ ایران ۱۷۴ ع۳۹ شماره موتور 10085374 و شماره شاسی 55061902 به نام محبوبه شکرچیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، کارت سوخت، کارت خودرو، سند کمپانی پژو ۴۰۵، مدل ۸۹ به شماره پلاک ۴۷۸ ص ۳۷ - ایران ۲۴ و شماره شاسی NAAM01CA5AR530469 و شماره موتور 12489129080 مریم ناصری گریمنوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند برگ سبز و سند کمپانی و کلیه اسناد خودرو رانسا، مدل ۹۵، رنگ سفید، به شماره انتظامی ۴۶۴ ق ۵۶-ایران ۴۶، شماره موتور 163B0234611 و شماره شاسی NAAU01FE5GT136183 به نام پروین آذر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو ۱۶۰۰ آر.دی مدل ۱۳۸۳ به رنگ پشیمی-روغنی به شماره انتظامی ایران ۴۳-۸۴۸ ل ۹۶، شماره موتور 11783034932 و شماره شاسی 83135076 به نام مهدی رحیمی خیرآبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو زانتیا SX سیترون مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۹۳-۲۸۲ ب ۵۷، شماره موتور 107602 و شماره شاسی S1512288184957 به نام نوش آذرمدخو مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.